

درس چهارم

از نوزاد بپرسید!



ناباورانه دور گهواره‌ی نوزاد حلقه زده بودند و با تعجب و خشم به یکدیگر نگاه می‌کردند.

همه‌مای میان جمعیت بلند شده بود:
هر کس چیزی می‌گفت.

- «می‌گوید از نوزاد بپرسید!»

- «با نوزاد چند روزه چگونه حرف بزنیم؟»

- «چه حرف بی معنایی!»

نوزاد نازنین، چشم‌های زیباییش را چرخاند و ناگهان لب‌های کوچکش را باز کرد:

«من بندۀی خدا هستم!»

همین که اولین جمله را از زبان نوزاد شنیدند، سکوت سنگینی بر جماعت حاکم شد.
نفس در سینه‌ها حبس شده بود!

- «خیلی عجیب است! خودش حرف زدا چطور ممکن است؟»
نوزاد با کمال آرامش به حرف‌هایش ادامه داد:
«خدای بزرگ به من کتاب آسمانی عطا می‌کند.

او مرا برای پیامبری برگزیده، و مرا مایه‌ی خیر و برکت قرار داده است.
من هرجا باشم، سودمند خواهم بود.»
همه‌ها میان جماعت بیشتر شد.
- «این دروغ است.»

- «این زن با کودکش ما را جادو کرده است.»
- «اما واقعاً نوزاد سخن می‌گوید.»

مادر با نگاهی نگران، اما امیدوار به لطف پروردگار به لب‌های کودکش می‌نگریست.
سخنان دلنشیں کودک، ادامه یافت:



«خداوند به من سفارش کرده است که تا زندگانم نماز بخوانم و به نیازمندان کمک کنم؛
نسبت به مادرم مهریان باشم

و ستمکار و زورگو و بداخللاق نباشم».

همه از تعجب و شگفتی، دهانشان باز مانده بود و مات و مجهوت به نوزاد چشم دوخته
بودند.

نوزادی که برگزیده‌ی خدا بود، ادامه داد:

«خدای بزرگ، پروردگار من و پروردگار شماست؛ او را عبادت کنید که راه راست همین
است».

————— نام ← گیسن (ع) }
لقب ← مسح }
نام ← رنجیل }
قوم ← بن اسرائیل }

این نوزاد، «حضرت عیسیٰ علیہ السلام» است.
لقبش «مسيح» است و كتاب آسماني او، «انجيل». خدای مهریان او را برای هدایت قوم «بنی اسرائیل» انتخاب کرد.
حضرت عیسیٰ علیه السلام بخش زیادی از عمر پُرپارش را در سفر سپری کرد و به
کمک پارانش، مردم را راهنمایی و پیام‌های الهی را برایشان بیان می‌کرد.
او به فرمان و یاری خدا بیماران درمان ناپذیر را درمان؛

۱) باینایان مادرزاد را بینا
۲) و مردگان را زنده می‌کرد.

⇒ محضرات حضرت حضرت عیسیٰ (ع)

او حدود پانصد و هفتاد سال پیش از تولد پیامبر صلی الله علیه وآلہ بشارت بزرگی

به قوم خود داد:
«ای بنی اسرائیل!

من فرستادهی خدا به سوی شما هستم؛

و به شما بشارت می‌دهم که بعد از من پیامبری خواهد آمد، به نام احمد».
چه مژده‌ی بزرگ و چه بشارت بی‌نظیری!

سخن حضرت حضرت عیسیٰ (ع) دربارهی پیامبری حضرت
محمد

دشمنان حضرت عیسی از اینکه مردم به او ایمان می‌آوردند، سخت عصبانی بودند.
حاکم ستمگر آن زمان دستور داد حضرت عیسی علیه السلام را به دار بیاویزند؛ اما
خداآوند ایشان را به آسمان بالا برد تا سال‌ها بعد به همراه حضرت مهدی علیه السلام
دوباره ظاهر شود و در کنار ایشان جهان را پر از عدل و آرامش کند.

حضرت مهدی (عج)
حضرت عیسی (ع)

به خواست خداوند عایب آند عیسی

گفت و گو کنیم



یکی از سفارش‌های خدا به حضرت عیسی علیه السلام را انتخاب، و با دوستانان در
مورد راه‌های عمل به آن گفت و گو کنید.

لک به بیاز مندان

بگرد و پیدا کن

کلماتی را که به حضرت عیسیٰ علیہ السلام مربوط است، پیدا کنید.



زنده بودن



سال هجری



مریم

آسیه

احمد



انجیل



سال میلادی

سال میلادی سے زمان تولد ایمان

زنده بودن سے بخواست خدا نموده اند

بریم سے نامادر
انجیل سے تاریخی

تدبّر کنیم

* آیه را بخوانید؛ این آیه با کدام قسمت درس ارتباط دارد؟

إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرِيمَ ... وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ
يَأْتِي مِنْ بَعْدِي أَسْمُهُ، أَحْمَدُ

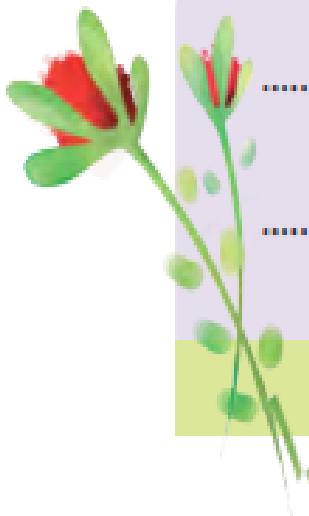
عیسی فرزند مریم گفت:... من به شما بشارت من دهم
که بعد از من پیامبری خواهد آمد به نام «احمد».

سوره‌ی صف، آیه‌ی ۶

فردی آمدن پیامبر اسلام را به مردم می‌رهد

✿ فکر می کنید چرا حضرت عیسیٰ علیہ السلام به آمدن پیامبر بعد از خود بشارت داده است؟

برای تأیید راه پیامبر کرامی ما بعذر حودسان

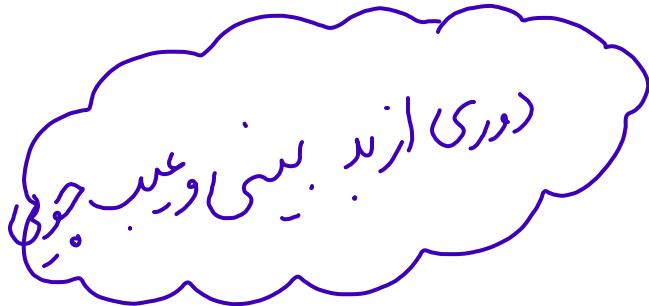




ایستگاه فکر

چشمان پر هیز کار

۱



روزی حضرت عیسیٰ علیہ السلام با عدّه‌ای از پیروانش از بازارچه‌ای می‌گذشت؛ ناگهان گروهی را دید که به دور سگ مرده‌ای جمع شده‌اند و درباره‌ی آن گفت و گو می‌کنند. یکی می‌گفت: «بوی بد آن، انسان را خفه می‌کند!». دیگری می‌گفت: «چقدر کثیف است!». سومی می‌گفت: «چه سگ زشتی!».

وقتی نوبت به حضرت عیسیٰ علیہ السلام رسید، گفت: «چه دندان‌های سفید و زیبایی دارد!».

همه از این حرف تعجب کردند. حضرت عیسیٰ علیہ السلام ادامه داد: «سعی کنید همیشه لرزیان زیبایی و زیستی، زیبایی هارا نشان دهید».

حراه نیک

۲

اهمیت مایوس فیار دوستان روی ما

راه زیادی آمده‌اند؛ گوشه‌ای می‌نشینند تا چند دقیقه استراحت کنند.
یکی از یاران ایشان از فرصت استفاده می‌کند و می‌پرسد: «ای پیامبر خدا! با چه
کسی هم‌نشین شویم؟»

چه سؤال مهمی! همه‌ی همراهان چهره‌شان را به سوی رهبر محبوبشان
برمی‌گردانند تا پاسخش را بشنوند.

حضرت عیسیٰ علیه السلام به یاران فداکارش چشم می‌دوزد:
«کسی که ...

۱. دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد؛

۲. فیارش را شمارا زیاد کند

۳. فیارش باعث علاقه‌ی شما به پرستشود

به نظر شما حضرت عیسیٰ علیه السلام در هر داستان چه فرموده است؟*

* با دوستان خود گفت و گو کنید، و برای هر دو داستان، عنوان مناسبی انتخاب کنید؛ سپس علت انتخاب این عنوان‌ها را بگویید.